

سینمای جهان



زنده نگه داشتن شریان‌های حیاتی سینما

در یک مجموعه سینمای سالم و آزاد، آن چه باید دغدغه‌ی اصلی باشد، مخاطب است. سینماگران در کنار تلاش برای خلق آثاری مفرح و مخاطب‌پسند می‌توانند به فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح سلیقه‌ی مخاطبان همت گمارند ولی مخاطبی که قرار است از سینما خوراک فکری بگیرد، ابتدا باید پایش به سالن سینما باز شود. پس اصل، کشاندن مخاطب به داخل سالن سینماست! سینما روه‌های خاص، فیلم‌های خاص را می‌پسندند ولی آن چه سینما را سرپا نگه می‌دارد، اقبال مخاطبان عام به سینماست؛ آنان‌اند که بلیت می‌خرند و وضعیت اقتصادی سینما را رونق می‌بخشند. بی‌تعارف می‌توان ادعا کرد که غفلت از مخاطب عام، سینما را نابود می‌کند. مخاطب عام هم برای دریافت مفاهیم عمیق به سینما نمی‌آید! به‌طور قطع نمی‌توان نظریه‌ی لزوم وجود اندیشه در سینما را رد کرد اما مخاطب عام سینما نیز همواره نشان داده که فیلم‌های دگراندیشه‌ی متظاهر را نمی‌پسندد و از فیلم‌هایی استقبال می‌کند که علاوه بر جذابیت، واجد ارزش‌های کیفی حداقلی نیز باشند. نگاهی به پر فروش‌های سالیان اخیر ثابت می‌کند که فیلم‌های خالی از ارزش‌های هنری یا فیلم‌هایی که بخواهند مخاطب را فریب بدهند یا او را دست کم بگیرند، محکوم به شکست در گیشه هستند. پس سلیقه‌ی مخاطبان سینما تا حدود زیادی قابل اعتماد است فقط می‌ماند هوش و ذکاوت سینماگران در یافتن موضوعات مورد علاقه‌ی مخاطبان که اگر این مهم به درستی انجام شود، سینمای بدنه یا همان سینمای متکی بر مخاطب عام شریان‌های حیاتی سینما را زنده نگه خواهد داشت!

- ❑ خواننده‌های مخاطب عام از سینما
- ❑ گفت‌وگو با کونتین نارانتسو
- ❑ بهترین فیلم‌های پر مخاطب سال
- ❑ فیزیک در سینما: سرعت ۲
- ❑ گفت‌وگو با جوزپه تورناتوره
- ❑ آقای سینمای جهان در ونیز

DIRECTOR





نکاتی پیرامون خواسته‌های مخاطب عام از سینما

تنها مخاطب است که می‌ماند!

محترم صفدری سلطانی

سرگرم‌سازی حرف اول را می‌زند!

که خود همین امر می‌تواند ریشه در بسیاری از مسایل و نارسایی‌های جوامع امروز داشته باشد.

مستقل از رویدادهای حاشیه‌یی

می‌توان خاطرنشان ساخت که در صورت حضور سینمایی باکیفیت و متنوع، سایر رویدادهای جاری در بستر جامعه بر روند مثبت فروش فیلم‌ها تأثیر چندانی نخواهند داشت؛ به‌طور مثال همان‌گونه که انتظار می‌رفت با برگزاری مسابقات المپیک یکن که تأثیرات آشکار و پنهان زیادی در زندگی و روابط اجتماعی و حرفه‌یی و حتی رفت و آمدها و سفرهای مردمان کشورهای مختلف داشت، سینما و به‌ویژه سینمای هالیوود آن‌چنان که باید تحت تأثیر این مسئله قرار نگرفته و آمار فروش فیلم‌ها در دوران این مسابقات کاهش قابل ملاحظه‌یی پیدا نکرد که این امر ناشی از نگرش مخاطب به سینما و نیز نوع فیلم‌هایی است که در این برهه‌ی زمانی اکران شدند!

سوپرستارهای کارساز

به نظر می‌رسد مخاطب این سال‌ها به‌شدت علاقه‌مند به ستاره‌هاست. متأثر از زندگی مصرف‌گرای امروز، ستاره‌ها تبدیل به الگوهای دست‌نیافتنی شده‌اند که تماشای آن‌ها بر پرده می‌تواند تا حدود زیادی اشتیاق دست یافتن به آن‌ها را پاسخ دهد. نقش آفرینان، برخی اوقات آن‌چنان در خوب از کار درآمدن یک اثر سینمایی مؤثرند که حضور نادرست و گزینش نامناسب گفت‌وگوها یا موسیقی را بی‌اعتبار می‌سازند. چهره‌هایی مانند «آل پاجینیو»، «رابرت دنیرو»، «تام هنکس»، «نیکلاس کیج»، «تیم رایینز» و ... در زمره‌ی این نقش آفرینان هستند که ویژگی‌های منحصر به فرد بازیگری‌شان، آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند و کم‌تر فیلمی است که با حضور این‌ها به اعتبار هنری و مردمی نرسد.

پرهیز از روایت‌های مبهم

برای تماشاگر امروز روایت ساده‌ی داستان و آغاز و پایان مشخص به مراتب جذاب‌تر از شیوه‌های روایتی پیچیده و خاص است. او علاقه‌مند است که در پایان، سرنوشت شخصیت‌ها را ببیند و عاقبت اعمالشان را مشاهده کند. همین موضوع موجب شده که در سال‌های اخیر فیلم‌هایی که

بديهي است که برداشت و انتظارات افراد مختلف از فیلم و سینما متفاوت است. صرف‌نظر از این که سینما برای جمعیت جوان هر جامعه‌یی تا حد زیادی جنبه‌ی سرگرمی دارد، اما نمی‌توان نقش آن را در ساختار اجتماع نادیده گرفت. بر این اساس سینما تنها سرگرمی نیست و علاوه بر آشنایی با فرهنگ‌ها و اقشار مختلف و نیز رویارویی با دیدگاه‌های متفاوت، هنری است که می‌تواند بر مخاطبان عام در زمان‌های مختلف تأثیر گذارد؛ هنری که منطبق و معناگرایی از عناصر مهم آن محسوب می‌شود. تأثیرگذاری بر افکار بیننده به گونه‌یی که دغدغه‌ها و مسایل شخصیت‌های فیلم، برایش ملموس باشند و بتواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند نیز از نکات قابل توجه است. با این حال در اکثر کشورهای دنیا تعداد افرادی که اولین انتظارشان از سینما سرگرمی است بسیار بیش‌تر از مخاطبان جدی سینماست و نمی‌توان سلیقه و نحوه‌ی گزینش تماشاگر را در افزایش ساخت و تولید برخی فیلم‌ها نادیده گرفت.

تحقق رؤیاهای بشری

تماشاگر امروز به‌شدت متأثر از تلویزیون است. این تماشاگر، سینما را نیز در امتداد تلویزیون می‌بیند و علاقه دارد همان شخصیت‌ها و روابط را که در تلویزیون می‌بیند، بر پرده‌ی سینما هم مشاهده کند. در واقع امروز تصویر تلویزیونی سلیقه‌ی تماشاگران را شکل می‌دهد نه آن چه به واقع باید از سینما به عنوان هنر انتظار رود. مطلوب این تماشاگر، مشاهده‌ی شکل متفاوتی از زندگی بر پرده‌ی سینماست که او را هرچند برای مدتی محدود از مصایب خاص زندگی پرمراتر امروز دور کند. از این منظر فیلم‌هایی که تحقق رؤیاهای بشری را می‌نمایانند همواره یا استقبال خوبی روبه‌رو شده‌اند. تماشاگر امروز علاقه‌مند به تماشای فضاهایی است که در زندگی واقعی‌اش دست‌نیافتنی هستند، سینمایی مطلوب اوست که تصویری از زندگی افرادی را نشان دهد که دوست دارد مانند آن‌ها گذران عمر کند، به‌طور عمومی نمایش زندگی طبقات پایین اجتماع و مصایب بفرنج آن‌ها جذابیتی برای او ندارد و در مقابل سر کشیدن به زندگی افراد مرفه و دغدغه‌های آن‌ها برایش جذاب‌تر است



بدون پیچیدگی و ابهام، داستانشان را بیان کرده‌اند به فروش بالایی دست یابند. یکی از دلایل این امر می‌تواند ناآشنا بودن مخاطب با ویژگی‌های فیلم معناگرا و بامحتوا باشد و البته در این میان نمی‌توان تأثیرات تبلیغات و اطلاع‌رسانی که امروزه اهمیت به مراتب بیش‌تری نسبت به گذشته در زمینه‌ی جذب تماشاگران در سینما پیدا کرده‌اند را نیز نادیده گرفت. البته فیلمسازان نباید از توجه به هویت ملی و فرهنگی‌شان، بازمانند که افزایش تولیدات گیشه‌یی نه تنها از ارزش فیلم‌های فرهنگی و صاحب‌اندیشه نمی‌کاهد بلکه باعث آشکار شدن تفاوت‌ها نیز می‌گردد.

توجه به تنوع گونه‌یی

ترس از عدم بازگشت سرمایه و جذب مخاطب، ناگزیر فیلمساز را محدود به ساخت فیلم در یک گونه‌ی خاص می‌کند و این در حالی است که با نگاهی دقیق به سینمای کشورهای پیشرفته متوجه می‌شویم که بحث پیدایش و تنوع گونه در مقطعی از زمان به شکل جدی مطرح شده است و هر یک از فیلمسازان نیرو و انرژی خود را معطوف به ساخت فیلم در گونه‌ی مورد نظر می‌کنند و قواعد گونه‌یی را نیز به درستی رعایت می‌کنند، به این معنا که نمی‌توان با نگاه و تجربه‌ی کمدی سراغ ساخت یک فیلم جنگی رفت و باید شرایط لازم را برای ساخت فیلم در گونه‌های مختلف فراهم کرد و به بیانی دیگر، فیلمساز باید تابع فضای خاص گونه‌یی باشد که در آن فیلم می‌سازد. البته بیان این مطلب این شبهه را ایجاد می‌کند که اگر قرار است یک کارگردان در انواع گونه‌های سینمایی فیلم بسازد پس تکلیف مؤلف بودن فیلمساز چه می‌شود؟! چنین تصویری از اساس اشتباه است، چرا که برجسته‌ترین فیلمسازها هم تجربه‌ی ساخت انواع فیلم در گونه‌های مختلف را داشته‌اند.

ارتقای وجه صنعتی همپای وجه هنری

سینما به عنوان یک رسانه، بخشی از فرهنگ محسوب می‌شود و وسیله‌ی

است که افراد بخشی از زمان فراغت خود را با آن می‌گذرانند. در کنار نقش پر کردن اوقات فراغت مردم، سینما به عنوان هنری جذاب و پرمخاطب باید نقش درآمذزایی خود را نیز حفظ کند. علاوه بر آن سینمای روزگار ما دارای دو رکن اساسی است: یکی رکن هنری و دیگری وجه صنعتی. سینما فرایندی دارد که بسیاری از فعالیت‌های آن فنی است و حاصل این فرایند درآمذزاست، پس در سینما باید هم وجه صنعت را مد نظر قرار داد و هم وجه هنری آن را تا بتوان همیشه مطلوب مخاطب واقع شد. صنعت سینما باید به‌طور کامل موازی با بعد هنری آن پیش رود تا به لحاظ سخت‌افزاری هم بتوان مخاطب را اقناع کرد. یک سالن مدرن با سیستم رفاهی به‌روز خیلی بیش‌تر از یک سیستم فرسوده به کار خواهد آمد، چون مخاطب سینما دوست ندارد در سالی به تماشای فیلم بنشیند که در تابستان گرم و در زمستان سرد است!

رابطه‌ی دوسویه‌ی سینما و مخاطب

استقبال مردم از سینما و استقبال سینما از مخاطب به یک معنای دوسویه منتهی می‌گردد؛ اگر فیلم خوب باشد مخاطب فراوانی را به خود جذب می‌کند و سینماها پر از تماشاگر می‌گردد و اگر خیلی برای مخاطب جذاب نباشد مخاطب به سینما نخواهد آمد، به عبارت دیگر اقبال به سینما رابطه‌ی نزدیکی با پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و فرهیختگی اقشار مختلف جامعه دارد. بر این اساس توجه به

خاستگاه فکری غالب مخاطبان باید مبنای ساخت فیلم قرار گیرد، چرا که ساختن بهترین و باکیفیت‌ترین فیلم در شرایطی که مخاطبان توانایی ارتباط برقرار کردن با فضای آن را نداشته باشند به شکست فیلم منجر خواهد شد!

استفاده از تجربیات دیگران

سینما نیز مانند دیگر هنرها نیازمند تعامل اندیشه‌های مختلفی است که سبب شکل‌گیری و ارتقای آن شده‌اند. حتی می‌توان کمی بازتر اندیشید و این‌گونه اظهار داشت که به سینما نیز بایستی به‌مانند علوم نظیر پزشکی یا مهندسی نگریست، یعنی کشورهایی که در زمینه‌ی این هنر عقب‌تر از بقیه هستند باید به دنبال روش‌های پیشرفت خویش رفته و در طول این مسیر از تجربیات پیشینیان استفاده کنند. به‌طور حتم بسیاری از تکنیک‌های پیشرفته‌ی سینمایی در اختیار کشورهایی است که با دیدی حرفه‌یی‌تر بدین مقوله نگریسته‌اند و یا زودتر از دیگران به سرمایه‌گذاری روی آن اقدام کرده‌اند. در این میان وظیفه‌ی کشورهایی که از این تکنیک‌ها بهره نبرده‌اند آن است که به روش‌های مختلف به فراگیری آن‌ها اقدام کرده و تا جایی که می‌توانند به بومی‌سازی این تکنیک‌ها اهتمام ورزند! استفاده از تجارب ارزنده‌ی دیگر کشورها، ارتقای جایگاه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری سینما را به دنبال خواهد داشت که این مسئله نیز به نوبه‌ی خود استقبال فراوان مخاطبان را رقم خواهد زد. ■